

# بررسی حقوقی قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام آژانس جهانی انرژی هسته‌ای و بیانیه شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران<sup>۱</sup>

دکتر سید محمود کاشانی\*

## چکیده

انرژی هسته‌ای اگر چه در جنگ دوم جهانی به گونه نمادی از ویرانگری و کشتار دسته‌جمعی مردم ژاپن خودنمایی کرد ولی این انرژی پاک و ارزان، منبع پایان ناپذیری را در اختیار جامعه‌های بشری قرار داده که آینده کشورها به دسترسی به آن وابسته گردیده است. این واقعیت سبب شده است فرایند تولید و بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز قانونمند گردد و در همین حال از هر گونه انحراف این تکنولوژی به سوی سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری شود. اسناد گوناگونی به صورت عهدنامه‌های بین‌المللی به تصویب رسیده‌اند تا با ایجاد تعهداتی برای دولت‌های عضو و برقراری چارچوبی برای نظارت بین‌المللی، به کشورهایی که این تعهدات را می‌پذیرند حق برخورداری از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز داده شود. دولت ایران با پذیرفتن این اسناد جهانی، فعالیت‌های هسته‌ای خود را در چارچوب این عهدنامه‌ها سازماندهی کرده است. با این حال، با چالش‌هایی از سوی

---

۱. قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام برابر با ۱۵ بهمن ۱۳۸۴، در ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ برابر با ۸ اسفند ۱۳۸۴ به شورای امنیت گزارش شد. بیانیه شورای امنیت نیز در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ برابر با ۹ فروردین ۱۳۸۵ صادر گردید.

\* استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

پاره‌ای از دولت‌های غربی روبرو شده که دارای جنبه سیاسی است و نه حقوقی. این موضوع سال‌های طولانی است که روابط ایران با این کشورها و ذهن و احساسات مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

هدف از نگارش این مقاله بررسی خواسته‌های فرا عهدنامه‌ای کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا است که در قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ آژانس جهانی انرژی هسته‌ای و بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ شورای امنیت تجلی یافته است. همچنین تأکید بر این واقعیت است که برخوردهای سیاسی دولت ایران با اینگونه قطعنامه‌ها به تنهایی نمی‌توانند راه‌گشای برون رفت از بحران در اینگونه فشارهای بین‌المللی باشند و ناگزیر باید با بهره گرفتن از اصول به رسمیت شناخته شده حقوقی در تفسیر اسناد و عهدنامه‌های بین‌المللی به تقویت موضع سیاسی کشور پرداخت. در این راستا قطعنامه آژانس و بیانیه شورای امنیت سازمان ملل متحد از دیدگاه حقوقی در این مقاله مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند.

**واژگان کلیدی:** انرژی هسته‌ای، اساسنامه آژانس جهانی، پیمان منع گسترش، موافقتنامه‌های حفاظتی، انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز، انحراف، نظارت بین‌المللی.

## مقدمه

در چهارم فوریه ۲۰۰۶ قطعنامه‌ای<sup>۲</sup> از سوی شورای حکام آژانس جهانی انرژی هسته‌ای علیه ایران صادر شده است که پیش‌نویس آن از سوی سه کشور اروپایی انگلستان، فرانسه و آلمان تنظیم شده و به مدیرکل آژانس ارائه گردیده است. مدیرکل آژانس این پیش‌نویس را در دستور کار شورای حکام قرار داده و سرانجام کشورهای تنظیم‌کننده این پیش‌نویس با همکاری آمریکا توانسته‌اند قطعنامه مزبور را با ۲۷ رأی موافق، ۳ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع با تغییرات اندکی در متن آن به تصویب شورای حکام آژانس برسانند. در این نوشته کوتاه نخست مندرجات بخش‌های مربوط از اساسنامه آژانس، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و موافقتنامه حفاظتی مواد هسته‌ای میان ایران و آژانس و کوتاه شده‌ای از بخش‌های اصلی قطعنامه ۴ فوریه و بیانیه شورای امنیت<sup>۳</sup> را می‌آوریم و سپس به بررسی حقوقی تصمیم‌گیری‌های شورای حکام و شورای امنیت در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌پردازیم.

2. GOV/2006/14 Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran, Resolution adopted on 4 February 2006

3. S/PRST/2006/15.

### بخش یکم - مندرجات اسناد

دولت ایران در سال ۱۹۵۸، اساسنامه آژانس جهانی انرژی هسته‌ای را پذیرفته و در دوم فوریه ۱۹۷۰ به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیوسته و متعهد به اجرای مندرجات این دو سند جهانی شده است. دولت ایران همچنین در راستای اجرای التزامات ناشی از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و برخورداری از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در ۱۵ مه ۱۹۷۴ یک قرارداد تفصیلی با آژانس جهانی انرژی هسته‌ای زیر عنوان موافقتنامه اجرای اقدامات حفاظتی در ارتباط با پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای<sup>۴</sup> امضا کرده است.<sup>۵</sup>

#### ۱ - اساسنامه آژانس

بر پایه بند ۵ ماده ۳ اساسنامه آژانس جهانی انرژی هسته‌ای، این آژانس دارای تکلیف است در زمینه مواد شکافت‌پذیر و دیگر مواد، خدمات، تجهیزات، امکانات و اطلاعاتی که از سوی آژانس و به درخواست آژانس و یا زیر نظارت و کنترل آن در اختیار کشوری قرار داده شده است حفاظت‌های لازم را برقرار ساخته و یا مدیریت کند. بر پایه بند (د) از همین ماده فعالیت‌های آژانس باید با رعایت احترام حقوق حاکمیت دولت‌های عضو آن انجام پذیرد. همچنین بر پایه بند (الف) از

4. Agreement between Iran and the Agency for the Application of Safeguards in connection with the Treaty on Non - proliferation of Nuclear weapons.

۵. این موافقتنامه در اسفند ماه سال ۱۳۵۲ به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسیده و در روزنامه رسمی شماره ۸۵۲۰ مورخ ۱۳۵۳/۱/۲۷ انتشار یافته و در تاریخ ۱۳۵۳/۲/۲۵ برابر با ۱۵ مه ۱۹۷۴ اسناد تصویب آن به آژانس ابلاغ شده و دارای اعتبار گردیده است.



ماده ۱۲ اساسنامه، آژانس دارای حقوق و مسئولیت‌هایی است. در چارچوب بندهای ۱ تا ۷ این ماده آژانس باید امکانات و از جمله نیروگاه‌های هسته‌ای را بازرسی کند و در صورتی آنها را مورد تأیید قرار دهد که اطمینان یابد برای هدف‌های نظامی به کار گرفته نخواهند شد و مطابق با استانداردهای تندرستی و ایمنی بوده و در برگیرنده حفاظت‌های مذکور در این ماده می‌باشند. بر پایه بند (ب) همین ماده آژانس برای انجام وظایف خود می‌تواند گروهی از بازرسان را به کار گیرد و این بازرسان همه فعالیت‌های هسته‌ای آژانس و دولت‌هایی را که مواد و امکاناتی را از آژانس دریافت می‌کنند مورد بازرسی قرار دهند و تأیید کنند این فعالیت‌ها مطابق با تعهدات دولت‌های مزبور به شرحی که در مواد این اساسنامه آمده‌اند می‌باشند یا نه. در صورتی که بازرسان به تخلفی برخورد کنند باید این تخلف را به مدیرکل گزارش کنند و او هم گزارش آن را به شورای حکام بدهد. شورای حکام از دولتی که امکاناتی را از آژانس دریافت کرده است می‌خواهد بی‌درنگ هرگونه تخلف خود را بر طرف کند. شورای حکام همچنین این تخلف را به دیگر اعضای آژانس و به شورای امنیت گزارش می‌کند. اگر دولت گیرنده امکانات اقدامات ضروری را در خلال یک مدت زمان معقول انجام ندهد شورای حکام می‌تواند یک یا دو اقدام زیر را انجام دهد:

— ادامه همکاری خود را با آن دولت محدود کند و یا به حال تعلیق درآورد و درخواست استرداد مواد و تجهیزاتی را که در اختیار آن دولت قرار داده است بنماید.

- آژانس ممکن است همچنین بر پایه بند (ب) ماده ۱۹، امتیازات و حقوق عضویت دولت متخلف را به حال تعلیق در آورد.

## ۲- پیمان منع گسترش

در راستای مقررات اساسنامه آژانس، ماده ۳ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای که ایران در سال ۱۹۷۰ به آن پیوست مقرر داشته است هریک از کشورهای غیرهسته‌ای عضو این پیمان متعهد می‌گردد تا روش‌های حفاظتی را بر پایه موافقتنامه‌ای که مفاد آن را مورد گفتگو با آژانس جهانی انرژی هسته‌ای قرار می‌دهد و بر پایه مندرجات اساسنامه آژانس معمول دارد. تنها هدف از امضای این موافقتنامه آن است که چگونگی اجرای تعهداتی که یک دولت عضو بر پایه این پیمان پذیرفته است مورد بررسی قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که انرژی هسته‌ای از مقاصد مسالمت‌آمیز به سوی سلاح‌های هسته‌ای و یا دیگر ابزارهای انفجاری کشیده نشود. این ماده می‌افزاید حفاظت‌هایی که مورد نظر این ماده است باید نسبت به همه منابع و یا مواد ویژه شکافت‌پذیر در هرگونه فعالیت مسالمت‌آمیز هسته‌ای در قلمرو سرزمین آن دولت، در سرزمین تابع صلاحیت وی و یا در هر جایی که زیر کنترل وی باشد به مورد اجرا درآید. بند ۳ ماده ۳ نیز تأکید کرده است حفاظت‌های مورد نیاز این ماده باید به گونه‌ای اجرا شود که سازگار با ماده ۴ این پیمان بوده و از ایجاد دشواری در راه توسعه اقتصادی و فنی کشورهای عضو این پیمان و یا همکاری جهانی در زمینه فعالیت‌های مسالمت‌آمیز هسته‌ای پرهیز گردد.

بند یک ماده ۴ پیمان منع گسترش که یکی از مواد بنیادی این پیمان است مقرر می دارد:

«هیچ یک از مندرجات این پیمان نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به حق ذاتی همه اعضای این پیمان در زمینه توسعه پژوهش‌ها، تولید و به کار گرفتن انرژی هسته‌ای برای مقاصد مسالمت‌آمیز بدون تبعیض و موافق مواد ۱ و ۲ این پیمان آسیبی وارد سازد».

بند ۲ این ماده نیز می‌افزاید:

«همه اعضای این پیمان متعهد می‌شوند تا جایی که ممکن است در مبادله تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فناوری برای به کار گرفتن مسالمت‌آمیز انرژی هسته‌ای مشارکت کرده و این امور را تسهیل کنند. آن گروه از اعضای این پیمان که از چنین توانایی‌هایی برخوردار هستند موظف هستند به تنهایی و یا با همکاری دولت‌های دیگر یا سازمان‌های بین‌المللی برای گسترش به کارگیری انرژی هسته‌ای برای هدف‌های مسالمت‌آمیز، به ویژه در کشورهایی که از سلاح‌های هسته‌ای برخوردار نیستند با توجه ویژه به مناطق نیازمند توسعه در جهان همکاری و مشارکت کنند».

### ۳ - موافقتنامه حفاظتی

بر پایه بند ۱ ماده ۳ پیمان منع گسترش، کشورهایی که از فناوری هسته‌ای برخوردار نیستند متعهد شده‌اند تا با آژانس موافقتنامه‌های حفاظتی را منعقد نمایند. ایران چنین موافقتنامه‌ای را امضا کرده است. دولت ایران با پذیرش همان تعهدات مذکور در پیمان منع گسترش پذیرفته است که

اقدامات حفاظتی در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای خود را به مورد اجرا در آورد. بر پایه ماده ۷ این موافقتنامه، دولت ایران تکلیف دارد خود یک سیستم بررسی و کنترل برای همه مواد هسته‌ای که موضوع حفاظت بر پایه این موافقتنامه هستند برقرار کند. آژانس نیز باید سیستم برقرار شده ایران را کنترل و تأیید کند تا فعالیت‌های هسته‌ای ایران هیچ‌گونه انحرافی به سوی مقاصد نظامی نداشته باشند. بر پایه ماده ۸ این موافقتنامه نیز تأکید شده است، برای حصول اطمینان در اجرای حفاظت‌های مربوط به این موافقتنامه دولت ایران باید بر پایه مندرجات بخش ۲ این موافقتنامه، اطلاعات مربوط به مواد هسته‌ای موضوع حفاظت و ویژگی‌های تأسیسات موضوع حفاظت و مواد هسته‌ای را در اختیار آژانس بگذارد. از سوی دیگر آژانس موظف است حداقل میزان اطلاعات و داده‌ها را برای انجام مسئولیت‌های خود بر پایه این موافقتنامه از ایران بخواهد. ماده ۱۹ این موافقتنامه نیز مقرر می‌دارد: «اگر شورای حکام برپایه گزارش مدیرکل دریابد که آژانس قادر نیست تأیید کند که هیچ‌گونه انحرافی از مواد هسته‌ای که باید بر طبق این موافقتنامه محافظت شوند به سوی سلاح‌های هسته‌ای و دیگر ابزارهای انفجاری وجود ندارد، می‌تواند گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ (اساسنامه آژانس) را تنظیم کند».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این اسناد جهانی، در حالی که التزاماتی را برای ایران در زمینه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در چارچوب ماده ۲ و بند ۱ ماده ۳ پیمان منع گسترش بوجود آورده‌اند، در همین حال حق برخورداری از فناوری هسته‌ای مسالمت‌آمیز را برای همه کشورهای عضو پذیرفته و کشورهای دارای فناوری هسته‌ای را موظف

ساخته‌اند این گونه فناوری را از طریق آژانس به کشورهایی که به پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای گردن نهاده‌اند ارائه کنند. بنابراین در اجرا و یا تفسیر این اسناد جهانی و در هر گونه تصمیم‌گیری در شورای حکام آژانس و یا شورای امنیت باید وابستگی متقابل حقوق و تعهدات کشورهایی که به این اسناد پیوسته‌اند مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴- قطعنامه شورای حکام

در مقدمه این قطعنامه به حق هر کشوری در زمینه توسعه، پژوهش، تولید و به کار گرفتن انرژی هسته‌ای برای هدف‌های مسالمت‌آمیز بدون هیچ گونه تبعیضی و برپایه مواد ۱، ۲ و ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تأکید شده است. پاره‌ای از نکات اصلی که در پرونده هسته‌ای ایران در این قطعنامه مطرح گردیده چنین هستند:

- با استناد به گزارش مدیر کل آژانس گفته شده است، پس از نزدیک به سه سال بررسی‌های فشرده، آژانس هنوز در موضعی نیست که پاره‌ای از موضوع‌های مهم برنامه هسته‌ای ایران را روشن کند.

- آژانس نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که هیچ گونه مواد و یا فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد.

- به کوتاهی‌های متعدد ایران در پیروی از قرارداد حفاظتی NPT و نبودن اعتماد بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران منحصراً برای هدف‌های مسالمت‌آمیز است تصریح شده و اینها را ناشی از سابقه ایران در پنهان‌کاری فعالیت‌های هسته‌ای، طبیعت آن فعالیت‌ها و دیگر موضوع‌های

مربوط به بررسی‌های آژانس برپایه اطلاعات انجام شده از سوی ایران از سپتامبر ۲۰۰۲ دانسته است.

برپایه این مقدمات قطعنامه آژانس از ایران خواسته است :

۱- مسائل باقیمانده پرونده ایران هنگامی می‌تواند به خوبی حل و فصل شود و اعتماد بوجود آید که برنامه هسته‌ای ایران منحصر به هدف‌های مسالمت‌آمیز است که ایران در زمینه خواسته‌های آژانس در موارد زیر پاسخ مثبت دهد:

الف - تعلیق کامل و پایدار را در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای از جمله پژوهش‌ها و توسعه برقرار کند، به گونه‌ای که آژانس بتواند آن را مورد تأیید قرار دهد.

ب - در ساخت نیروگاه متوسط آب سنگین تجدید نظر کند.

پ - پرتکل الحاقی را فوراً به تصویب رسانیده و به مورد اجرا گذارد.

ت - تا قبل از تصویب این پرتکل که ایران در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضا کرده است بر طبق مندرجات آن عمل کند.

ث - اقدامات شفاف‌ساز مورد درخواست مدیرکل آژانس را انجام دهد که فراتر از نیازهای رسمی مذکور در موافقتنامه حفاظتی و پرتکل الحاقی است و شامل دسترسی به افراد، مدارک مربوط به تهیه، تجهیزات دارای کاربرد دوگانه، پاره‌ای از کارگاه‌های نظامی و پژوهشی و توسعه می‌باشد که آژانس ممکن است در تکمیل روند بررسی‌های جاری خود انجام آنها را درخواست کند.

۲- از مدیرکل آژانس درخواست می‌کند که به شورای امنیت سازمان ملل متحد گزارش دهد که شورای حکام برداشتن این گام‌ها را از سوی



ایران درخواست کرده و همه گزارش‌ها و قطعنامه‌های شورای حکام را که در این زمینه صادر شده‌اند و تصمیمات گرفته شده را به شورای امنیت گزارش کند.

و سرانجام از مدیرکل درخواست می‌کند که در زمینه اجرای این قطعنامه و قطعنامه‌های پیشین به اجلاس عادی آینده شورای حکام گزارش دهد و آن گزارش را با هرگونه قطعنامه‌ای در ماه مارس به شورای امنیت گزارش کند و اینکه تصمیم دارد همچنان پرونده هسته‌ای ایران را زیر نظر داشته باشد.

#### ۵ - بیانیه شورای امنیت

پس از صدور این قطعنامه در شورای حکام در تاریخ ۴ فوریه، مدیرکل آژانس قطعنامه مزبور را در ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ به شورای امنیت گزارش کرده و پس از چند هفته گفتگو و چانه زنی میان اعضای دائمی آن، سرانجام شورای امنیت در ۲۹ مارس ۲۰۰۶ بیانیه‌ای در پرونده هسته‌ای ایران صادر کرد. در آغاز بیانیه، شورای امنیت نیز به التزام خود بر پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تأکید و یادآوری کرده است که کشورهای عضو این پیمان بر پایه مواد ۱ و ۲ آن، حق توسعه پژوهش‌ها، تولید و به کار گرفتن انرژی هسته‌ای را برای هدف‌های مسالمت‌آمیز بدون هرگونه تبعیضی دارا هستند. شورای امنیت در بیانیه خود با تکرار مندرجات قطعنامه ۴ فوریه شورای حکام، از آغاز دوباره فعالیت‌های غنی‌سازی از جمله در زمینه پژوهش و توسعه و از اینکه ایران همکاری خود را با آژانس از جهت اجرای پرتکل الحاقی متوقف ساخته ابراز نگرانی جدی



کرده است. همچنین از ایران خواسته است تا درخواست‌های آژانس را که در بند ۱ قطعنامه شورای حکام آمده‌اند و برای ایجاد اعتماد و اینکه فعالیت هسته‌ای ایران تنها برای هدف‌های مسالمت‌آمیز است به مورد اجرا گذارد و موضوع‌های باقیمانده را حل و فصل کند و در این زمینه اهمیت ویژه برقراری دوباره تعلیق کامل و پایدار همه فعالیت‌های بازفرآوری از جمله پژوهش و توسعه را به گونه‌ای که از سوی آژانس قابل تأیید باشد مورد تأکید قرار داده است. شورای امنیت همچنین این تعلیق و پیروی کامل و قابل تأیید خواسته‌های شورای حکام آژانس را برای پیدایش یک راه حل دیپلماتیک از طریق گفتگو که تضمین کند فعالیت هسته‌ای ایران تنها برای هدف‌های مسالمت‌آمیز است لازم دانسته و بر تمایل جامعه جهانی بر انجام کار مثبت برای دستیابی به چنین راه حلی که زمینه‌ساز منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در همه جا می‌باشد تأکید کرده است. شورای امنیت سپس قویاً از نقش شورای حکام آژانس پشتیبانی کرده و مدیرکل و دبیرخانه آژانس را از جهت فعالیت‌های حرفه‌ای و بیطرفانه آنان در حل و فصل موضوع‌های باقی‌مانده در ایران مورد ستایش و تشویق قرار داده و بر ضرورت ادامه کارهای آژانس برای روشن ساختن موضوع‌های به جای مانده در برنامه هسته‌ای ایران تأکید و سرانجام از مدیرکل درخواست می‌کند ظرف ۳۰ روز، شیوه پیروی ایران در زمینه گام‌های خواسته شده در قطعنامه مزبور را برای بررسی به شورای حکام و شورای امنیت گزارش دهد.

## بخش دوم - ایرادات حقوقی

اکنون با ملاحظه متن قطعنامه شورای حکام که بخش‌های مهم آن آورده شد و بیانیه شورای امنیت که بندهای اصلی آن ذکر گردید باید بینیم مندرجات این تصمیم‌گیری‌ها تا چه اندازه با اسنادی که ایران در این زمینه پذیرفته و تعهد اجرای آنها را کرده است سازگاری و هماهنگی دارند:

۱- دولت ایران اساسنامه آژانس جهانی انرژی هسته‌ای را در سال ۱۹۵۸ امضا کرده است، ولی هیچ‌گونه مواد، تجهیزات و کمک‌های فنی از آژانس دریافت نکرده و در نتیجه قراردادی هم در راستای بند ۱ ماده ۱۱ اساسنامه در این زمینه امضا نکرده است. بنابراین مفاد بندهای ۶ و ۷ از بند (الف) و بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران قابل اجرا نیست. دولت ایران سپس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را در سال ۱۹۷۰ پذیرفته و بر پایه بند ۱ ماده ۳ این پیمان ملتزم شده است که در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای مسالمت‌آمیز خود که بر پایه همین پیمان از حق داشتن آن برخوردار است، حفاظت‌هایی را بپذیرد. بدین ترتیب فعالیت‌های هسته‌ای ایران که دارای جنبه بومی است و نه متکی به کمک‌های آژانس، در چارچوب ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی قرار می‌گیرد. برپایه این ماده:

«اگر شورای حکام بر پایه بررسی اطلاعات مربوط که از سوی مدیرکل به آن گزارش شده است دریابد که آژانس نمی‌تواند این موضوع را مورد تأیید قرار دهد که هیچ‌گونه انحرافی

(Diversion) از مواد هسته‌ای که نیازمند محافظت برپایه این موافقتنامه هستند به سوی سلاح‌های هسته‌ای و یا دیگر ابزارهای انفجاری وجود نداشته است، در این صورت می‌تواند گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس را تنظیم کند و اگر، قابل اجرا باشد، ممکن است دیگر اقدامات مذکور در آن ماده را به کار گیرد. در انجام این اقدامات شورای حکام باید درجه و میزان اطمینانی را که از طریق اقدامات حفاظتی به مورد اجرا گذارده شده است در نظر بگیرد و همچنین به دولت ایران هرگونه فرصت معقولی را بدهد تا تضمین مجدد برای شورای حکام را فراهم سازد.

۲- هر چند عنوان قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام آژانس، اجرای موافقتنامه حفاظتی NPT در جمهوری اسلامی ایران است ولی در این قطعنامه به هیچ مستند و مبنای عهدنامه‌ای برای صدور آن تصریح نشده است. دلیل آن هم روشن است؛ تنها ماده مربوط از موافقتنامه حفاظتی که می‌تواند مبنای قانونی گزارش پرونده ایران به شورای امنیت قرار گیرد همین ماده ۱۹ است که در آن مسئله انحراف فعالیت‌های هسته‌ای به سوی سلاح‌های هسته‌ای پیش بینی شده است. مدیرکل و شورای حکام دلایلی بر عدم امکان تأیید انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران در اختیار نداشته و بنابراین از استناد به ماده ۱۹ این موافقتنامه خودداری کرده‌اند و حال آنکه تکلیف داشته‌اند مبنای عهدنامه‌ای گزارش پرونده ایران به شورای امنیت را در این قطعنامه تصریح کنند.

شورای حکام در قطعنامه ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ نیز با همین مشکل روبرو بوده است.<sup>۷</sup> در حالی که عنوان قطعنامه مزبور نیز اجرای موافقتنامه حفاظتی NPT در جمهوری اسلامی ایران است ولی، در آن به مبانی بی ارتباط و ناسازگاری استناد کرده‌اند. در بند یک این قطعنامه مدعی شده‌اند کوتاهی‌های بسیار و نقض تعهدات ایران در اجرای موافقتنامه حفاظتی، تشکیل عدم اجرا (Non Compliance) در چارچوب بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس را می‌دهد. این در حالی است که در ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی عنوان انحراف (Diversion) وجود دارد. اگر تنظیم کنندگان پیش‌نویس قطعنامه ۲۴ سپتامبر در مقام اجرای موافقتنامه حفاظتی هستند می‌بایست به مبنای مذکور در ماده ۱۹ استناد کنند. هرچند ایران اساسنامه آژانس را امضا کرده و به آن پای‌بند است ولی تنها رابطه قراردادی میان ایران و آژانس، موافقتنامه حفاظتی سال ۱۹۷۴ میلادی است که ماده ۱۹ آن حاکم بر نظارت آژانس بر مواد و فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. بنابراین نویسندگان پیش‌نویس قطعنامه سپتامبر مجاز نبوده‌اند یک سلسله مسائل مبهم را ردیف کرده و آنها را از مصادیق عدم اجرای مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس که ارتباطی به فعالیت‌های هسته‌ای ایران ندارد برشمرند.

در بند ۲ قطعنامه ۲۴ سپتامبر نیز با کلی‌گویی و آوردن موضوعات مبهمی چون سابقه پنهان‌کاری در فعالیت هسته‌ای ایران، طبیعت این فعالیت‌ها و عدم اعتماد بر اینکه برنامه هسته‌ای ایران منحصرأً برای

7. GOV/2005/77: Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran, Resolution adopted on 24 September 2005.

هدف‌های مسالمت‌آمیز است، این موارد را موجب طرح پرسش‌هایی دانسته‌اند که در صلاحیت شورای امنیت به عنوان ارگان مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. در همین مورد نیز نویسندگان این قطعنامه از ذکر مبنای عهدنامه‌ای مورد نظر خود که بند ۴ (ب) ماده ۳ اساسنامه آژانس می‌باشد خودداری کرده‌اند. این دو مبنا یعنی بند ۴ (ب) ماده ۳ و بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس با یکدیگر ناسازگاری داشته و قابل جمع نیستند. بند ۴ (ب) ماده ۳ مربوط به ارجاع گزارش‌های سالانه آژانس به مجمع عمومی سازمان ملل متحد و در صورت لزوم به شورای امنیت است. پرسشی هم که در چارچوب این بند در ارتباط به فعالیت آژانس ممکن است مطرح شود یک پرسش حقوقی و بی‌ارتباط به فعالیت‌های هسته‌ای یک کشور است؛ و حال آنکه بند (ج) ماده ۱۲ ناظر به عدم اجرای قرارداد ویژه‌ای است که میان آژانس و یک دولت عضو که مواد و تجهیزات را از آژانس دریافت کرده منعقد شده است. بنابراین شورای حکام در صدور قطعنامه ۲۴ سپتامبر نیز با استناد به این دو مبنای متفاوت، درگیر یک تضاد شده است، آن هم در قطعنامه‌ای که در مقام اجرای موافقتنامه حفاظتی در پرونده هسته‌ای ایران صادر شده و موظف بوده است به مبنای مذکور در ماده ۱۹ این موافقت استناد کند.

۳- اجرای درست ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی که حاکم بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تکالیف آژانس می‌باشد نیازمند آن بوده است که بازرسان آژانس پس از انجام بازرسی‌هایی که در چارچوب این موافقتنامه از مراکز هسته‌ای ایران انجام داده‌اند به مدیرکل گزارش دهند و مدیرکل نیز وضعیت ایران را به شورای حکام گزارش کند و شورای حکام

با بررسی اطلاعاتی که در اختیار آن قرار گرفته است به این نتیجه برسد که آژانس نمی‌تواند عدم انحراف مواد هسته‌ای را که باید مورد محافظت قرار گیرند به سوی سلاح‌های هسته‌ای یا دیگر ابزارهای انفجاری مورد تأیید قرار دهد. در این صورت شورای حکام می‌توانسته است گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ را تنظیم و به شورای امنیت گزارش کند. ولی شورای حکام این ترتیبات فنی و حقوقی و الزام‌آور ماده ۱۹ را کنار گذاشته و به جای آن بر پایه پیش‌نویسی که از سوی سه کشور اروپایی که با فعالیت هسته‌ای ایران از اساس مخالفت دارند تنظیم گردیده و به شورای حکام ارائه شده، قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ را صادر کرده است. به این ترتیب شورای حکام به سان یک مرجع سیاسی وارد عمل شده و حال آنکه این شورا یک مرجع سیاسی نیست و بر پایه مندرجات ماده ۱۹، مدیرکل آژانس مجاز نبوده است چنین پیش‌نویسی را در دستور کار شورای حکام قرار داده و به رأی گذارد. نص و روح ماده ۱۹ به شورای حکام اجازه نمی‌دهد علیه دولت ایران به عنوان عضو پیمان منع گسترش و طرف موافقتنامه حفاظتی، قطعنامه صادر کند و سپس از مدیرکل بخواهد این قطعنامه را که بازتاب خواسته‌های چند کشور اروپایی و امریکا و نه نیازهای پیمان منع گسترش یا موافقتنامه حفاظتی است به شورای امنیت گزارش کند. با توجه به اینکه برای حفظ استقلال و بیطرفی، بند (و) ماده ۷ اساسنامه آژانس تأکید کرده است که مدیرکل و کارکنان نباید در جستجو و یا دریافت رهنمود از هر منبعی بیرون از آژانس برآیند و با در نظر گرفتن این واقعیت که بر پایه بند (هـ) ماده ۶ اساسنامه آژانس هریک از ۳۵ عضو شورای حکام در تصمیم‌گیری‌ها دارای یک رأی هستند،



پذیرش پیش نویس قطعنامه تنظیم شده از سوی سه کشور اروپایی علیه ایران که هیچ برتری نسبت به دیگر اعضای شورای حکام و هیچ سمت مستقلی در اجرای ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی ندارند نمونه بارز پذیرش رهنمود از سوی مدیرکل از یک منبع بیرون از آژانس می باشد.

۴- از سوی دیگر شورای حکام در صدور این قطعنامه از مفاد و دستور روشن ماده ۱۹ عدول کرده است. مبنای تصمیم گیری شورای حکام در بند (و) از دلایل این قطعنامه آمده است که به موجب آن مدیرکل آژانس یاد آور شده است که:

«پس از نزدیک به سه سال بررسی های فشرده، آژانس هنوز در موضعی نیست که پاره های از مسائل مهم برنامه هسته ای ایران را روشن کند و...».

و حال آنکه چیزی به نام عدم امکان روشن کردن پاره های از فعالیت های هسته ای ایران در ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی نیامده است. این ماده تنها انحراف مواد هسته ای نیازمند محافظت به سوی سلاح های هسته ای را مبنای تصمیم گیری شورای حکام در تنظیم گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ آژانس برشمرده است. شورای حکام نمی تواند این مبنای قراردادی و عهدنامه ای را که دولت ایران در موافقتنامه حفاظتی پذیرفته است گسترش داده و شامل امور دیگری چون عدم امکان روشن کردن پاره های از فعالیت های هسته ای ایران بنماید و از پیش خود عهدنامه جدیدی را خلق کند و پرونده ایران را به شورای امنیت گزارش کند. ادعای روشن نبودن پاره های از موضوعات مربوط به فعالیت های هسته ای ایران، به فرض صحت، جدای از عدم توانایی تأیید انحراف مواد هسته ای موضوع محافظت به

سوی سلاح‌های هسته‌ای است. هنگامی که شورای حکام ادعا می‌کند پاره‌ای از موضوع‌های هسته‌ای ایران روشن نیست، ایران چه اقدامی می‌تواند بکند جز اینکه تأسیسات هسته‌ای خود را در معرض بازرسی بازرسان قرار دهد. ولی اگر بازرسان، مدیرکل و یا شورای حکام چنین ادعایی را مطرح سازند که نمی‌توانند تأیید کنند که هیچ‌گونه انحرافی در فعالیت‌های هسته‌ای ایران وجود ندارد، باید مبانی مثبت، معقول و همراه با دلایلی را برای امکان انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه کنند. در این صورت دولت ایران نیز می‌تواند به گونه مثبت نشان دهد فعالیت‌های هسته‌ای آن در چارچوب موافقتنامه حفاظتی است که چنین نیز کرده است. از همین رو مدیرکل آژانس بارها پیش و پس از صدور این قطعنامه به ویژه هنگام سفر به تهران در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۴ و ۲۵ فروردین ۱۳۸۵ در گفتگو با خبرنگاران صریحاً اعلام کرده است هیچ‌گونه انحرافی در برنامه هسته‌ای ایران به سوی مقاصد نظامی وجود ندارد.<sup>۸</sup> با این تأکید روشن و مکرر مدیرکل آژانس و عدم تصریح به انحراف فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی سلاح‌های هسته‌ای در گزارش‌های مدیرکل و در قطعنامه‌های ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ و ۴ فوریه ۲۰۰۶، برپایه ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی NPT شورای حکام مجاز نبوده است گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس را تنظیم و پرونده ایران را به شورای امنیت گزارش کند.

۸. روزنامه کیهان، شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۵.

۵- در بخش دیگری از بند (و) قطعنامه شورای حکام، گفته شده است: «آژانس هنوز در موضعی نیست که ... نتیجه گیری کند هیچ گونه مواد و یا فعالیت های هسته ای اعلام نشده ای در ایران وجود ندارد».

در این مورد نیز نویسندگان پیش نویس قطعنامه، مندرجات ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی را نادیده گرفته اند. موافقتنامه حفاظتی، در زمینه شیوه انجام وظیفه بازرسان آژانس دارای مقرراتی تفصیلی است. این مقررات به آژانس اجازه نمی دهند چنین برخوردهای کلی و مبهمی را با فعالیت های هسته ای ایران بنمایند. به موجب بند ۲ ماده ۸ این موافقتنامه: «ایران باید بر پایه مندرجات بخش ۲ این موافقتنامه، اطلاعات مربوط به مواد هسته ای را که باید درباره آنها اقدامات ایمن سازی انجام گیرد و ویژگی های تأسیساتی را که مرتبط با ایمن سازی این مواد هستند در اختیار آژانس بگذارد».

و به موجب بند (ب) این ماده :

«آژانس باید حداقل میزان اطلاعات و داده هایی را که زمینه ساز انجام وظایف آژانس باشد و در چارچوب این موافقتنامه از ایران بخواهد.

اطلاعات مربوط به امکانات هسته ای باید حداقل لازم برای ایمن سازی مواد هسته ای موضوع حفاظت بر پایه این موافقتنامه باشد». مواد دیگر موافقتنامه حفاظتی نیز چنین حقی را به آژانس نداده اند که از پیش خود دست به تحقیق و بررسی بزنند. از جمله ماده ۵۹ از ایران خواسته است گزارش هایی را در چارچوب مواد ۶۰ تا ۶۹ در ارتباط با مواد هسته ای موضوع حفاظت به آژانس بدهد. بازرسی های آژانس هم بر پایه

مواد ۷۱ تا ۸۲ این موافقتنامه باید محدود به مندرجات گزارش‌های ایران باشد؛ به ویژه ماده ۷۶ تصریح کرده است بازرسان آژانس باید به مکان-هایی که در گزارش اولیه آمده است یا به هر جایی که بازرسی مرتبط با آن گزارش نشان می‌دهد که در آنجا مواد هسته‌ای وجود دارد، دسترسی داشته باشند. آنچه از عبارات صریح این موافقتنامه بر می‌آید این است که آژانس دارای چنین مأموریتی نیست که همه مکان‌ها و تأسیسات موجود در ایران را بررسی کند تا اطمینان یابد مواد و یا فعالیت هسته‌ای اعلام نشده‌ای از سوی ایران وجود ندارد. برعکس بر پایه بند ۳ از ماده ۳ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای :

«اقدامات حفاظتی که این ماده خواستار انجام آن است نباید موجب ایجاد مانع در راه توسعه اقتصادی و تکنولوژیک کشورهای عضو و همکاری بین‌المللی در جهت فعالیت‌های هسته‌ای بشود».

و بر پایه بند (د) از ماده ۳ اساسنامه آژانس :

«به موجب مندرجات این اساسنامه و موافقتنامه‌ای که میان یک دولت یا گروهی از دولت‌ها و آژانس منعقد می‌شود که باید در چارچوب این اساسنامه باشد ، فعالیت‌های آژانس باید با رعایت حقوق حاکمیتی دولت‌ها انجام شود.

هیچ یک از مندرجات این پیمان نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به حق ذاتی همه کشورهای عضو این پیمان در گسترش پژوهش ، تولید و به کار گرفتن انرژی هسته‌ای برای مقاصد مسالمت‌آمیز بدون هر گونه تبعیضی و موافق بندهای ۱ و ۲ این پیمان تأثیری گذارد».

با در نظر گرفتن این مواد روشن، ایران تکلیفی ندارد تا اطمینان آژانس را جلب کند که در ایران مواد یا فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده دیگری غیر از آنچه در تأسیسات هسته‌ای ایران گزارش شده است وجود ندارد. اگر آژانس چنین تکلیفی را متوجه ایران بداند، این یک امر عدمی است که قابل اثبات نیست. و اگر آژانس چنین تکلیفی را که در پیمان منع گسترش و موافقتنامه حفاظتی پیش‌بینی نشده است به عهده خود می‌داند، در این صورت الزاماً باید چنین نتیجه‌گیری شود که اگر پس از نزدیک به سه سال بررسی‌های فشرده، آژانس نتوانسته است نتیجه‌گیری کند که مواد و فعالیت هسته‌ای اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد، این امر دلیل بر ناتوانی آژانس در انجام وظایف خود می‌باشد و ناتوانی و یا کوتاهی آژانس را در هیچ صورتی نمی‌توان بر کوتاهی ایران حمل کرد و گزارش آن به شورای امنیت نیز ناموجه‌تر است. بنابراین به موجب ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی، آژانس مکلف است به روشنی مشخص نماید که چرا نمی‌تواند عدم انحراف فعالیت‌های هسته‌ای نیازمند محافظت در ایران را به سوی هدف‌های نظامی مورد تأیید قرار دهد و به دولت ایران مهلت معقولی بدهد تا اطمینان آژانس را جلب کند. همچنین براین اساس، طرح یک درخواست کلی و مبهم مبنی بر اینکه آژانس نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند مواد یا فعالیت هسته‌ای اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد برخلاف تکالیف روشن آژانس در اسناد مزبور است.

۶- در بند (ز) قطعنامه چهارم فوریه ۲۰۰۶ شورای حکام، به قصورهای ایران و نقض تعهدات آن در زمینه موافقتنامه حفاظتی NPT اشاره شده ولی بازرسان آژانس هیچ‌گاه نتوانسته‌اند تخلف ایران از انجام

تعهدات خود را احراز کنند و اگر قصور احتمالی نیز وجود داشته برطرف گردیده است. همچنین به پنهان کاری فعالیت‌های هسته‌ای ایران استناد شده، ولی ایران تکلیفی نداشته است همه فعالیت‌های هسته‌ای خود را که در راستای برخورداری از حق فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز که مورد تأکید بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد از آغاز فعالیت‌ها اعلام کند و در زمان مقتضی هم ایران به تکلیف اعلام عمل کرده و بازرسان آژانس توانسته‌اند وظایف خود را در مراکز هسته‌ای ایران در چارچوب اساسنامه آژانس و موافقتنامه حفاظتی انجام دهند.

۷ - شورای حکام در بند یک قطعنامه ۴ فوریه از ایران خواسته است پرتکل الحاقی را بی‌درنگ تنفیذ و به گونه کامل به مورد اجرا گذارد و تا هنگامی که این پرتکل تنفیذ نشده نسبت به ادامه اجرای مندرجات پرتکل الحاقی که ایران در ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ آن را امضا کرده است عمل کند. شورای حکام در این قطعنامه همچنین از ایران خواسته است اقدامات شفاف‌کننده‌ای را که مورد درخواست مدیرکل آژانس و فراتر از خواسته‌های ظاهری موافقتنامه حفاظتی و پرتکل الحاقی است به مورد اجرا گذارد؛ درخواست‌هایی شامل دسترسی به اشخاص، مدارک مربوط به تولید، تجهیزات دارای هدف دوگانه، پاره‌ای از کارگاه‌های نظامی و پژوهشی و توسعه که آژانس ممکن است در روند بازرسی‌های جاری خود انجام آنها را لازم بداند. این درخواست‌ها همگی بیرون از چارچوب تعهدات ایران در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، اساسنامه آژانس، موافقتنامه حفاظتی و حدود اختیارات شورای حکام می‌باشند. امضای پرتکل الحاقی از سوی نمایندگان دولت ایران به تنهایی الزامی برای کشور بوجود نیاورده



است؛ مگر آنکه دولت ایران با تمایل و اراده خود و بدون هرگونه اجبار و فشار (ماده ۲۴ کنوانسیون وین در زمینه حقوق عهدنامه‌ها) این پرتکل را برای تصویب بر پایه اصل ۷۷ قانون اساسی به مجلس تقدیم و نمایندگان با تشریفات قانونگذاری آن را تصویب کنند. بنابراین تنفیذ و تصویب پرتکل الحاقی که یک موافقتنامه بین‌المللی است اختیاری می‌باشد و هیچ کشوری را نمی‌توان بدون رضایت آن به پذیرش و تصویب یک موافقتنامه بین‌المللی وادار کرد. اجرای موقت یک عهدنامه هم نیازمند تصویب پارلمان است و درخواست اجرای پرتکل الحاقی پیش از تصویب آن در مجلس، خواسته‌ای فراتر از اصول قانون اساسی ایران است که دولت ایران بر پایه اصل ۷۷ قانون اساسی باید به آن پای‌بند باشد. ازسوی دیگر اگر دولت ایران روزی پرتکل الحاقی را تصویب کند، چرا باید انجام اموری فراتر از تعهدات پذیرفته شده در موافقتنامه حفاظتی و پرتکل الحاقی از ایران درخواست شود. مبنای این الزامات غیرعهدنامه‌ای چه می‌باشد؟

۸- درخواست شورای حکام در قطعنامه ۴ فوریه و شورای امنیت در بیانیه ۲۹ مارس از ایران برای اینکه اقدامات شفاف‌کننده و یا اعتمادساز و تعهداتی فراتر از آنچه را در موافقتنامه حفاظتی و یا پرتکل الحاقی مقرر شده‌اند بپذیرد و به آنها عمل کند نیز به گونه آشکار برخلاف تعهداتی است که ایران به آنها پای‌بند است. ایران پرتکل الحاقی را در مجلس تصویب نکرده است و تعهدی به انجام مفاد آن ندارد. موافقتنامه حفاظتی هم حدود تعهدات آژانس و ایران را روشن کرده است. کنوانسیون وین در زمینه حقوق معاهدات (سال ۱۹۶۹) به هیچ عنوان به یک سوی یک

عهدنامه اجازه نمی دهد انتظارات و درخواست هایی فراتر از آنچه صریحاً در متن عهدنامه آمده است از سوی دیگر آن داشته باشد.

تصویب یک عهدنامه (Ratification) در برگیرنده دو رشته روش- های شکلی است؛ نخست اقدام سازمان مربوط از یک دولت یعنی پارلمان که در چارچوب قانون اساسی می تواند تشریفات تصویب را محقق سازد. مرحله دوم آیین بین المللی است که عهدنامه را از طریق مبادله رسمی و یا تودیع اسناد تصویب آن، قابل اجرا و معتبر می سازد. مرحله اخیر نشان دهنده رضایت یک دولت به پذیرش عهدنامه است.<sup>۹</sup> همین تشریفات در ماده ۲۵ موافقتنامه حفاظتی میان ایران و آژانس برای اعتبار یافتن آن مقرر گردیده است:

« این موافقتنامه اعتبار خواهد یافت در روزی که آژانس از دولت ایران یادداشت کتبی دریافت کند که مقررات قانون اساسی ایران از جهت تصویب و اعتبار آن محقق گردیده است».

همین ترتیبات اصولی در مورد پرتکل الحاقی به موافقتنامه حفاظتی نیز الزاماً باید رعایت شوند. به دیگر سخن پس از امضای این پرتکل از سوی دولت ایران در دسامبر ۲۰۰۳، این از حقوق و اختیارات دولت ایران است که ترتیبات تصویب در پارلمان را آغاز کند و پیش از تصویب مجلس و ارسال یادداشت کتبی برای آژانس که مقررات قانون اساسی ایران از جهت تصویب پرتکل الحاقی رعایت شده است، پرتکل الحاقی برای دولت ایران الزام آور نیست و بنابراین درخواست اجرای آن از سوی

۹. برانلی، حقوق بین المللی عمومی، برگ ۶۰۴.

شورای حکام و یا شورای امنیت برخلاف مندرجات موافقتنامه حفاظتی است.

۹- شورای حکام در همین بند از قطعنامه مزبور همچنین از ایران خواسته است برای حل و فصل موضوعات باقی مانده و ایجاد اعتماد براینکه برنامه هسته‌ای ایران تنها برای هدف‌های مسالمت‌آمیز است اقدامات اعتمادبرانگیزی را که شورای حکام از ایران درخواست کرده است به مورد اجرا گذارد و در این راستا لازم دانسته است تعلیق کامل و پایدار همه فعالیت‌های غنی‌سازی مربوط و باز فرآوری از جمله در زمینه پژوهش‌ها و توسعه را به گونه‌ای که بتواند از سوی آژانس مورد تأیید قرار گیرد دوباره برقرار کند. این درخواست‌ها هم بیرون از مفاد پیمان منع گسترش و موافقتنامه حفاظتی می‌باشند. تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران که قطعنامه شورای حکام درخواست کرده است، چه ارتباطی به حل و فصل مسائل باقی مانده و یا کشف مواد و فعالیت‌های هسته‌ای اعلام نشده احتمالی در ایران می‌تواند داشته باشد؟ به فرض آنکه ایران این درخواست غیرقانونی آژانس را بپذیرد آیا آژانس می‌تواند از وجود مواد و فعالیت‌های هسته‌ای دیگری در ایران آگاهی به دست آورد؟ ایران هیچ تکلیفی ندارد که فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی را به حال تعلیق درآورد تا بازرسان آژانس بتوانند عدم انحراف آنها را از هدف‌های مسالمت‌آمیز تأیید کنند.

ماده ۴ موافقتنامه حفاظتی که اجرای اقدامات ایمن‌سازی را پیش‌بینی کرده به این نکات توجه داشته و تأکید کرده است:

«ایمن‌سازی‌های پیش‌بینی شده در این موافقتنامه باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که:

(الف) ...

(ب) از مداخله ناروا در فعالیتهای مسالمت آمیز هسته‌ای ایران و به ویژه در انجام فعالیتهای در تأسیسات پرهیز شود؛ و  
(ج) با روش‌های مدیریتی سنجیده‌ای که لازمه کارکرد اقتصادی و سالم فعالیتهای هسته‌ای است سازگار باشد».

بنابراین درخواست شورای حکام مبنی بر تعلیق فعالیتهای هسته‌ای ایران برخلاف روح اساسنامه و پیمان منع گسترش و نص روشن ماده ۴ موافقتنامه حفاظتی است و مداخله ناروا و ناسازگار با مدیریت سنجیده لازم برای کارکرد اقتصادی و سالم فعالیتهای هسته‌ای ایران می‌باشد. تعلیق فعالیتهای هسته‌ای ایران به ناروا و به مدت دوسال و نیم به دلیل فشارهای غیرقانونی سه کشور اروپایی و امریکا و درخواست ادامه آن از سوی شورای حکام و شورای امنیت، به ویژه برخلاف ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که به حق هریک از کشورهای عضو در برخورداری از توسعه پژوهش‌ها، تولید و به کارگرفتن انرژی هسته‌ای برای هدف‌های مسالمت آمیز بدون هر گونه تبعیضی تأکید کرده است. منع تبعیض در این ماده یک امر آرمانی نیست، بلکه یک تعهد عهدنامه‌ای است. تعلیق فعالیتهای هسته‌ای مسالمت آمیز ایران با در نظر گرفتن اینکه پاره‌ای از کشورهای عضو پیمان منع گسترش از انرژی هسته‌ای برای مقاصد نظامی بهره می‌گیرند و پاره‌ای دیگر از کشورهای عضو این پیمان مجاز در به کار گرفتن آن برای برنامه‌های مسالمت آمیز هستند به گونه آشکار به مفهوم نهاده‌ایه کردن تبعیض در مورد ایران به عنوان یک عضو

پیمان منع گسترش و سپس توقف کامل و دائمی فعالیت‌های هسته‌ای مسالمت‌آمیز ایران می‌باشد.

۱۰- قطعنامه ۴ فوریه شورای حکام و بیانیه ۲۹ مارس ۲۰۰۶ شورای امنیت هر دو بر پایه یک مکانیزم غیرفنی و غیرحقوقی استوار شده و در برگرفته این روش معیوب و غیرقابل پذیرش هستند که تعدادی از کشورهای اروپایی در گام نخست پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به شورای حکام ارائه کرده و با به کار گرفتن نفوذ ناروای خود در شورای حکام آن را به تصویب رسانیده و با گزارش پرونده ایران به شورای امنیت همین کشورهای اروپایی به همراه آمریکا با به کار گرفتن نفوذ ناروا نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران در بیانیه ۲۹ مارس که از هر سو مستند به ابتکار و تصمیم‌گیری خود آنان و نه بر پایه واقعیت‌های فنی و گزارش‌های بازرسان آژانس می‌باشد اظهار نگرانی جدی بنمایند. در حقیقت در پرونده هسته‌ای ایران، گروهی از کشورهای اروپایی و آمریکا علیه ایران کیفرخواستی صادر کرده و سپس در شورای امنیت بر پایه همین کیفرخواست در مقام قاضی قرار گرفته و مبادرت به صدور چنین بیانیه‌ای علیه ایران کرده‌اند. این ایراد اصولی از آنجا سرچشمه می‌گیرد که مدیرکل و شورای حکام با کنار گذاشتن مفاد ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی، پیش نویس قطعنامه ارائه شده از سوی این کشورهای اروپایی را پذیرفته و در دستور کار خود و مبنای تصمیم‌گیری علیه ایران قرار داده‌اند. بی‌گمان این شیوه برخورد و تصمیم‌گیری در زمینه فعالیت‌های مسالمت‌آمیز هسته‌ای یک کشور عضو، نقض آشکار مقررات NPT و ترتیبات مقرر در اساسنامه این آژانس جهانی و موافقتنامه حفاظتی است و تأکیدات قطعنامه



مزبور و بیانیه شورای حکام براینکه هر کشوری حق برخورداری صلح آمیز از فناوری هسته‌ای را دارد چیزی جز تعارف توخالی نیست. این شیوه برخورد با حقوق به رسمیت شناخته شده ایران موجب مسئولیت آژانس می باشد.

۱۱- شورای امنیت در بیانیه خود تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تبعیت ایران از خواست‌های آژانس را زمینه‌ساز یک راه حل دیپلماتیک و گفتگو برای احراز این واقعیت که فعالیت‌های هسته‌ای ایران صرفاً برای مقاصد مسالمت آمیز می‌باشند برشمرده است. آشکار است که تحمیل تعلیق فعالیت‌های مسالمت آمیز هسته‌ای به ایران از سوی قطعنامه شورای حکام و بیانیه شورای امنیت و سپس گرفتار کردن ایران در دام گفتگوهای بی‌پایان با چند کشور اروپایی همان‌گونه که تجربه گفتگوهای بیهوده دوسال و نیم گذشته نشان داده است حاصلی جز تعطیل دائمی پژوهش‌ها و فعالیت‌های دانشمندان و کارشناسان ایرانی و محروم شدن ایران از حق برخورداری از فناوری هسته‌ای که مورد تأکید ظاهری قطعنامه مزبور و بیانیه شورای امنیت قرار گرفته است ندارد. برخورداری ایران از حق فناوری هسته‌ای مسالمت آمیز نیازی به گفتگو و راه حل دیپلماتیک با کشورهای اروپایی ندارد. مقررات پیمان منع گسترش و موافقتنامه حفاظتی آن و اساسنامه آژانس در زمینه حقوق و تکالیف ایران به اندازه کافی روشن هستند. بازرسان آژانس می‌توانند با بهره گرفتن از روش‌های فنی و حقوقی مذکور در این اسناد، مسالمت آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و یا هرگونه انحراف احتمالی آن را احراز نمایند. بنابراین هر گونه گفتگویی منحصرأ باید با آژانس جهانی انرژی هسته‌ای و در چارچوب اسناد مربوط به آن



انجام شود و نه با کشورهای اروپایی که خارج از ارکان مدیریتی آژانس هیچ گونه سمتی در این گفتگوها نمی‌توانند داشته باشند.

۱۲- شورای امنیت همچنین در بیانیه خود قویاً از نقش آژانس پشتیبانی کرده و از مدیرکل آن به دلیل تلاش‌های حرفه‌ای جاری و بیطرفانه آنان ستایش کرده است. اعضای دائمی شورای امنیت در حقیقت از قطعنامه ارائه شده خود که از سوی مدیرکل آژانس به ناروا در دستور کار شورای حکام گذارده شده است ستایش کرده‌اند، ولی واقعیت این است که شورای حکام و مدیرکل آژانس با پذیرش پیش‌نویس ارائه شده از سوی کشورهای اروپایی و صدور قطعنامه علیه ایران، در عمل وظایف حرفه‌ای و بیطرفانه خود را در رسیدگی به پرونده ایران کنار گذاشته و به یک روش سیاسی و غیربیطرفانه دست یافته‌اند. این شیوه برخورد باعث تضییع حقوق پذیرفته شده یک عضو آژانس و موجب مسئولیت آژانس می‌باشد.

### بخش سوم - حل و فصل اختلافات

موافقتنامه حفاظتی که چارچوب قراردادی اصلی میان ایران و آژانس می‌باشد و روش‌های اجرای تعهدات ایران برپایه مندرجات اساسنامه آژانس و پیمان منع گسترش را مقرر کرده است، در زمینه اختلافات احتمالی طرفین این قرارداد ساکت نیست. عنوان ماده ۲۰ این موافقتنامه «تفسیر و اجرای موافقتنامه و حل و فصل اختلافات» است. آشکار است که در اجرای یک قرارداد، پیدایش اختلافات احتمالی امری طبیعی است. مهم این است که طرفین قرارداد روشی را برای این منظور پیش‌بینی کرده باشند. به ویژه در یک عهدنامه یا موافقتنامه بین المللی روش حل و فصل

اختلافات دارای اهمیت فراوان است، زیرا باب توسل به زور و تهدید را از سوی دولت‌ها مسدود می‌کند. در همین راستا ماده ۲۰ این موافقتنامه مقرر ساخته است:

«دولت ایران و آژانس باید به درخواست هریک، در زمینه هر پرسشی ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه با یکدیگر مشورت کنند».

ماده ۲۱ نیز افزوده است:

«دولت ایران باید از این حق برخوردار باشد که هر پرسشی در زمینه تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، از سوی شورای حکام مورد بررسی قرار گیرد. شورای حکام باید از دولت ایران دعوت به عمل آورد که در بحث‌های این شورا در زمینه چنین پرسشی مشارکت کند».

و از آنجا که این احتمال قابل تصور بوده است که شورای حکام آژانس به یک بررسی عادلانه نپردازد، ماده ۲۲ موافقتنامه حفاظتی روش حل و فصل اختلاف از طریق داوری مرضی الطرفین را پیش‌بینی کرده است. بر پایه این ماده:

«هرگونه اختلافی در زمینه تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به جز اختلاف مربوط به یافته‌ای از شورای حکام بر پایه ماده ۱۹ و یا اقدامی از سوی شورای حکام در راستای چنین یافته‌ای، که از طریق گفتگو یا ترتیبات دیگری که میان دولت ایران و آژانس مورد توافق قرار گیرد حل و فصل نشود، باید به درخواست هریک از طرفین به یک دیوان داوری که به شیوه زیر تشکیل می‌شود ارجاع

گردد. دولت ایران و آژانس باید هریک، یک داور را منصوب کنند و این دو داور که به این شیوه منصوب شده‌اند باید یک داور سوم را برگزینند که این داور سوم سرداور خواهد بود...».

با وجود این مقررات روشن در موافقتنامه حفاظتی، آژانس می‌توانسته است اگر اختلاف روشنی در زمینه شیوه تفسیر یا اجرای موافقتنامه حفاظتی با دولت ایران دارد، آن را به این داوری مرضی‌الطرفین ارجاع کند. درست که ماده ۲۲ اختلافی را که مربوط به یافته‌ای از سوی شورای حکام از جهت امکان انحراف مواد و یا فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی سلاح‌های هسته‌ای بر طبق ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی باشد از چارچوب صلاحیت دیوان داوری خارج دانسته است، ولی در هیچ یک از قطعنامه‌های شورای حکام آژانس به ویژه قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ تصریحی وجود ندارد که مواد یا فعالیت‌های هسته‌ای ایران انحرافی به سوی مقاصد نظامی داشته‌اند. مدیرکل آژانس هم بارها تأکید کرده است که فعالیت‌های هسته‌ای ایران هیچ‌گونه انحرافی به سوی مقاصد نظامی نداشته است. بنابراین اگر آژانس جهانی انرژی هسته‌ای در چارچوب موافقتنامه حفاظتی و نظارت‌هایی که بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارد به تخلف دیگری برخورد کرده است و این تخلف ترمیم نشده است و ادعای معتبری برای آژانس وجود دارد، آژانس می‌توانسته است از روش حل و فصل اختلافات مربوط به تفسیر یا اجرای این موافقتنامه بهره گرفته و به دیوان داوری مذکور در ماده ۲۲ مراجعه کند. این بند از مندرجات قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ که می‌گوید آژانس در موضعی نیست که پاره‌ای از مسائل مهم هسته‌ای ایران را روشن کند و یا نتیجه‌گیری کند که هیچ‌گونه مواد و یا فعالیت‌های هسته‌ای اعلام

نشده‌ای در ایران وجود ندارد ادعاهای معتبری نیستند که آژانس بتواند حل و فصل آنها را به دیوان داوری ارجاع کند. همچنین درخواست‌های این قطعنامه از ایران مبنی بر اینکه فعالیت‌های هسته‌ای خود را به حال تعلیق در آورد یا پرتکل الحاقی را در مجلس تصویب کند و یا پیش از تصویب آن به مندرجات پرتکل عمل کند و یا اقدامات شفاف از انجام دهد، همگی بیرون از چارچوب پیمان منع گسترش و مقررات موافقتنامه حفاظتی و بیرون از صلاحیت شورای حکام می‌باشند. بنابراین شورای حکام نمی‌تواند اینگونه خواسته‌های ناموجه را به داوری ارجاع کند. این واقعیت که شورای حکام آژانس نه انحرافی در مواد و فعالیت‌های هسته‌ای ایران احراز کرده و نه به دیوان داوری مذکور در ماده ۲۲ رفته است، قرینه کافی براین است که آژانس هیچ‌گونه ادعای معتبری علیه ایران نداشته است و به همین دلیل تسلیم فشارهای سه کشور اروپایی و امریکا شده و با خروج از چارچوب اسناد الزام‌آوری که میان ایران و آژانس برقرار است راه جوسازی، تهدید و توسل به شورای امنیت را برای منصرف ساختن ایران از حق برخورداری از فناوری هسته‌ای مسالمت‌آمیز در پیش گرفته است.

از سوی دیگر ایران نیز می‌تواند در زمینه اعتراض‌هایی که به قطعنامه ۴ فوریه ۲۰۰۶ آژانس دارد از روش حل و فصل اختلافات مذکور در این موافقتنامه بهره گیرد و ابطال تصمیم‌گیری‌های شورای حکام را از جمله در موارد زیر از دیوان داوری درخواست کند:

۱- در حالی که آژانس نتوانسته است بر یافته‌ای در زمینه انحراف مواد و فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی مقاصد نظامی تأکید کند، بنابراین تنظیم گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ اساسنامه آژانس و گزارش

پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت بر خلاف نص روشن ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی است و همین امر ادعای معتبر و پابرجایی برای ایران است که دولت ایران می‌تواند در مورد آن مکانیزم حقوقی مذکور در مواد ۲۰ تا ۲۲ موافقتنامه حفاظتی و در نهایت ارجاع اختلاف خود با آژانس را به دیوان داوری به جریان اندازد و به عدم اجرای درست مندرجات این موافقتنامه از سوی آژانس اعتراض و ابطال تصمیم‌گیری‌های نادرست شورای حکام را بخواهد. گزارش پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تنها در موردی ممکن بوده است که بیم و نگرانی از انحراف مواد و فعالیت‌های هسته‌ای ایران به سوی هدف‌های نظامی وجود داشته و یا آژانس این انحراف را احراز کرده باشد. در غیر این صورت و برای یک سلسله مسائل مبهم، هیچ توجیهی برای گزارش پرونده ایران به شورای امنیت وجود نداشته و از این جهت شورای حکام مرتکب تخلف شده است و همین امر می‌تواند مبنای اختلاف میان ایران و آژانس و حل و فصل آن از طریق دیوان داوری قرار گیرد.

۲- تنظیم پیش‌نویس از سوی سه کشور اروپایی علیه ایران و ارائه آن به شورای حکام و اینکه مدیرکل موافقت کرده است قطعنامه‌ای مبتنی بر این پیش‌نویس را در دستور کار شورای حکام قرار دهد. و حال آنکه شورای حکام تنها و منحصرأ بر پایه گزارش‌های مستند بازرسان بیطرف و مستقل که وجود انحراف در مواد و فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تأیید کرده باشند می‌توانسته است گزارش مذکور در بند (ج) ماده ۱۲ را تنظیم و بر پایه ماده ۱۹ موافقتنامه حفاظتی به شورای امنیت گزارش کند.

- ۳- پذیرش رهنمود از قدرت‌های بیرون از آژانس از سوی مدیرکل که بر خلاف بند (و) ماده ۷ اساسنامه آژانس می باشد .
- ۴- درخواست تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سوی شورای حکام آژانس برخلاف حقوق به رسمیت شناخته شده ایران در بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و حق برخورداری ایران از فعالیت‌های هسته‌ای مسالمت‌آمیز در زمینه پیشرفت‌های علمی و فناوری و برخلاف مواد گوناگونی از موافقتنامه حفاظتی است.
- ۵- درخواست تصویب پرتکل الحاقی به موافقتنامه حفاظتی از دولت ایران برخلاف حق حاکمیت ملی ایران می‌باشد؛ به عبارت دیگر تصویب این پرتکل الحاقی از حقوق پارلمان ایران و تصمیم به ابلاغ سند تصویب آن به آژانس از حقوق دولت ایران است .
- ۶- درخواست اجرای پرتکل الحاقی از ایران پیش از تصویب آن در مجلس و انجام تشریفات قانونی ابلاغ آن به آژانس از سوی ایران.
- ۷- درخواست انجام تکالیفی فراتر از مندرجات موافقتنامه حفاظتی و پرتکل الحاقی از ایران برخلاف اصول حقوق بین‌المللی و با نقض حاکمیت ملی ایران.



### نتیجه گیری

قطعنامه ۴ فوریه شورای حکام آژانس جهانی انرژی هسته‌ای با درخواست تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای از ایران و الزام ایران به انجام گفتگوهای سیاسی با سه کشور اروپایی، در مقام تعطیل دائمی فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. این درخواست و یا درخواست تصویب پرتکل الحاقی و یا اجرای آن پیش از تصویب، از حدود اختیارات و صلاحیت شورای حکام در اساسنامه آژانس، پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و یا مندرجات موافقتنامه حفاظتی میان ایران و آژانس بیرون است. نه شورای حکام و نه کشورهای اروپایی هیچ توجیهی برای طرح چنین خواسته‌هایی از ایران ندارند. افزون بر این در موضعی نیستند که با تهدید و یا به کار بردن زور، ایران را وادار به تمکین از این خواسته‌ها بنمایند. ولی آنچه روشن است تهدیدهای دائمی رئیس جمهور امریکا و وزیر خارجه این کشور است که ایران را به برقراری تحریم‌های اقتصادی جهانی تهدید می‌کنند و یا صریحاً اعلام می‌کنند که گزینه نظامی هم در دستور کار و روی میز آنان وجود دارد.<sup>۱۰</sup> منطق زور، قرن‌ها در میان کشورها حاکم بوده است، ولی منشور سازمان ملل متحد با این هدف تصویب شد که به منطق تهدید و یا توسل به زور در روابط میان کشورها پایان داده شود. به ویژه بند یک ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد این سازمان را بر پایه اصل حاکمیت برابر همه اعضای آن استوار ساخته و بند ۴ منشور همه دولت‌های عضو این سازمان را در روابط بین‌المللی خود از توسل به تهدید و به کار

۱۰. محمد جواد ظریف نماینده ایران در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به دبیر کل، اینگونه تهدیدها علیه ایران را مورد اعتراض قرار داده است. کیهان، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵.

بردن زور علیه تمامیت سرزمینی و یا استقلال سیاسی هر دولتی و یا به هر ترتیب دیگری که ناسازگار با هدف‌های این سازمان باشد بر حذر داشته است. اعضای سازمان ملل متحد نیز هیچ ماموریتی به شورای امنیت نداده‌اند که در خدمت هدف‌ها و تهدیدهای یک دولت عضو قرار گیرد. برعکس کشورهای عضو این سازمان مسئولیت حفظ صلح و امنیت جهانی را در ماده ۲۴ منشور به شورای امنیت واگذار کرده و این شورا را مکلف ساخته‌اند تا وظایف خود را در چارچوب اصول ملل متحد انجام دهد. در این شرایط شورای امنیت چگونه می‌تواند حق برخورداری از فناوری هسته‌ای مسالمت‌آمیز را که ماده ۴ پیمان منع گسترش برای همه اعضای این پیمان پذیرفته است و بهره گرفتن از این حق از سوی ایران را به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی برشمرد، بی آنکه از حدود وظایف خود بیرون رفته و هدف‌های سازمان ملل متحد را زیر پا گذارد. شورای امنیت با صدور چنین بیانیه‌ای از چارچوب مأموریت روشن خود خارج شده و به گونه روشن در خدمت هدف‌های دولت آمریکا در جهان قرار گرفته است و همین امر مشروعیت تصمیم‌گیری‌های آن را به زیر پرسش برده و به چالش می‌کشد.

ایستادگی کشورهای اروپایی و ایالات متحد آمریکا در برابر پیشرفت و شکوفایی استعدادهای دانشمندان ایرانی در زمینه دستیابی به دانش‌ها و فناوری مسالمت‌آمیز هسته‌ای که به گونه عام در راستای اعلامیه حق برخورداری ملت‌ها از پیشرفت و توسعه مصوب ۴ دسامبر ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌باشد، پدیده‌ای است که نمی‌توان در تاریخ فرهنگ و تمدن بشری نمونه‌ای از آن را یافت.

شورای امنیت که بر پایه ماده ۲۴ منشور سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت جهانی را به عهده دارد و باید در چارچوب هدف‌ها و اصول این سازمان به ویژه حق حاکمیت برابر دولت‌ها و پیشبرد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی برای همه ملت‌ها بدون هرگونه تبعیضی وظایف خود را انجام دهد مکلف بوده است در راستای یک خاورمیانه تهی از سلاح هسته‌ای که خواسته جدی و مشروع همه ملت‌های این بخش از جهان است در درجه اول نگرانی جدی خود را از فعالیت‌های هسته‌ای اسرائیل که خارج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و بدون کمترین نظارتی از سوی آژانس جهانی انرژی هسته‌ای انجام می‌پذیرد اعلام کند و افزون بر آن وظیفه داشته است نسبت به موارد آشکار نقض حقوق بشر و جنایاتی که همه روزه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین رخ می‌دهد نگرانی جدی از خود نشان دهد، ولی با افسوس فراوان شاهد سکوت دائمی و توجیه ناپذیر این شورا و افزایش روز افزون این جنایات علیه مردم بی دفاع فلسطین هستیم.